

عزالت عرفانی در روایات

فاطمه دولت آبادی^۱

^۱ دانشجوی دکتری شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

اهمیت عزالت و خلوت‌گزینی عرفانی در روایات به منزله انس با خدا و دوری از مردم است. به طوری که آن را یکی از برنامه‌های سعادت انسان می‌دانند. مقاله پیش رو درصدد پاسخ به این مسئله است که حدود عزالت و خلوت‌گزیدن در روایات چگونه است. در این مقاله سعی شده است روایات معصومین (علیه السلام) را در رابطه با عزالت عرفانی مورد توجه قرار دهد. و فواید و آفات آن را بطور اجمال ذکر کند. و همان‌گونه که در روایات اجازه داده شده است که افراد از این مقوله استفاده کنند، به همان اندازه تأکید شده از آن دوری گزینند.

واژه‌های کلیدی: عزالت، روایات، آداب عزالت، فواید عزالت، آفات عزالت.

۱- مقدمه

حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر که عزلت و گوشه‌گیری اختیار کرد، متحصّن شد به حصار عافیت، و خود را به حفظ و حراست الهی کشید. چرا که معنی عزلت، انقطاع از خلق است و رو آوردن به حقّ، و معلوم است که هر که چنین است، بلا شک متمسک و متشبّث است به لطف الهی، و در حصار عافیت او است. پس خوشا حال کسی که متفرد و یگانه شد به خدای خود، و به ظاهر و باطن، متوجّه او شد، و به او مستأنس و از غیر او متوحّش گردید (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰).

علامه سید محمد حسین تهرانی در کتاب خود لب‌اللباب در سیر و سلوک، خلوت را این‌گونه بیان می‌کند: خلوت دو گونه است: خلوت عامّ، و خلوت خاصّ. خلوت عامّ عبارتست از کناره‌گیری و عزلت از غیر اهل‌الله خصوصاً از صاحبان عقول ضعیفه از عوام مردم مگر به قدر ضرورت: وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ غَرَّتْهُمْ الدُّنْيَا (انعام/۷۰). و اما خلوت خاصّ عبارت است از دوری از جمیع مردم. و اگر چه آن در همه عبادات و اذکار خالی از فضیلت نیست و لیکن در طایفه‌ای از اذکار کلامیه بلکه در جمیع آنها در نزد مشایخ راه، شرط است و در آن چند امر معتبر است: خلوت و دوری از محلّ ازدحام و غوغا و استماع هرگونه صدای مشوّش حال. و دیگر حلّیت مکان و طهارت آن حتّی السقف و الجدران، و باید به اندازه‌ای کوچک باشد که فقط گنجایش یک نفر را بیشتر نداشته باشد و سعی شود که از زخارف دنیویّه در آن هیچ نباشد چون کوچکی خانه و نبود اثاث البیت در آن باعث تجمّع حواس می‌گردد (تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۹-۱۳۰).

عزلت به دو نوع عزلت جسمی و عزلت قلبی تقسیم می‌شود، منظور از عزلت بر کنار شدن و انقطاع از خلق است، یعنی انس و توجه خود را با خداوند متعال داشتن و از مردم منقطع شدن، و در حقیقت عزلت قلب است نه عزلت جسم.

حضرت محمد (ص) نیز سالی یک ماه در غار حراء خلوت می‌گزیدند و به ذکر و عبادت می‌پرداختند. آن حضرت در ابتدای بعثت نیز میل فراوانی به خلوت داشتند.

در تفسیر هدایت، در شرح آیه ۱۸۷ سوره بقره آورده است که: «اسلام عزلت و انزوای کامل از مردم را روا نداشته است، چه این کار مسئولیت انسان را در زندگی و نقشی که باید در اصلاح آن داشته باشد، از میان می‌برد؛ ولی عزلت جستن موقّتی را برای آنکه شخص مسلمان عزیمت و آرزو پیدا کند، و نیرومندتر از پیش به زندگی باز گردد، جایز دانسته است. اعتکاف که همین عزلت‌گزینی موقّتی است، یکی از همین روش‌هاست که در آن شخص مؤمن سه روز در مسجد می‌ماند، و روزه می‌گیرد و جز برای امر ضروری از آن خارج نمی‌شود» (مدرسی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹).

۲- انس به خدا و عزلت از مردم

عزلت، روی گرداندن از آفریدگان و روی آوردن به حضرت حق است و تا زمانی که دل از خواهش‌های دنیا تهی و از وابستگی‌های دنیوی جدا نگردد روی به سوی حضرت حق نمی‌گذارد. در روایات آمده است که یونس بن ظبّیان گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی فرستاد اگر می‌خواهی فردا در مقام قرب با من ملاقات کنی در دنیا تنها و دور از مردم زندگی کن، همواره مهموم و محزون باش و از مردم بترس. مانند پرنده‌ای تنها که در بیابان‌ها پرواز می‌کند و از برگ درختان تغذیه می‌نماید، و از آب سرچشمه‌ها می‌نوشد و هر گاه شب فرا رسد تنها در جایی قرار می‌گیرد و با پرندگان دیگر همنشینی ندارد، او به خداوند انس گرفته و از پرندگان دیگر دوری می‌کند (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۵۹۵).

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: نعم العبادۃ العزلة. خوب عبادت‌یست عزلت، گوشه‌گیری یعنی آمیزش زیاد با مردم نکردن و کناره جستن از اختلاط با اکثر ایشان که اختلاط با ایشان بغير زیان و خسران آخرت ثمره‌ای ندارد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۱۵۷).

۳- انگیزه سالک از عزلت‌گزینی

سالک در مسیر بندگی باید از نظر هدف «موحد» باشد تنها خدا را بخواهد و اگر به نعمت‌های دنیوی و اخروی توجه داشته باشد مطلوب بالذات او این نعمت‌ها هستند. هدف و انگیزه سالک بر عبادت یکی از این دو چیز است یکی شایستگی ذاتی معبود برای عبادت، یعنی از آن جهت او را عبادت می‌کند که او شایسته عبادت است، دیگری شایستگی خود عبادت یعنی شرافت و حسن ذاتی عبادت. حضرت علی (علیه‌السلام) به این مهم اشاره نموده می‌فرماید: «الهی ما عبدک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة فعبدتک» خدایا من تو را از ترس آتش و یا به طمع بهشتت عبادت نکردم بلکه تو را شایسته عبادت یافتیم و عبادت کردم (عطار نیشابوری، ۱۳۷۶، ص ۵۲۰).

انگیزه سالک حاصل‌شدنی نیست؛ مگر بعد از مقدماتی عرفانی که سالک بعد از انس با خدا، از غیر خدا گریزان شده و مسافر طریق الی الله می‌شود تا پس از رسیدن به خدا بار دیگر به سوی مردم بازگردد. همچون ابراهیم (ع) که فرمود: «أُعْتَزِلُكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ أَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم/ ۴۸)؛ من از شما و آنچه که می‌پرستید دوری و عزلت‌گزیده و پروردگار خود را می‌خوانم و امیدوارم که خداوند مرا شقی و بد عاقبت نفرموده و از لطف خود محروم ننماید. همچنین فرمود: «وَ قَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ (الصافات/ ۹۹) (ابراهیم پس از نجات از آتش) گفت من به سوی پروردگارم خواهم رفت و او به زودی مرا راهنمایی می‌کند.

۴- مواردی که باید سالک از آن عزلت‌گزیند

مسئله عزلت در روایات در رابطه با انس با پروردگار مطرح شده، و منظور از عزلت در معارف الهی، عزلت و گوشه‌گیری از عواملی است، که برای رابطه انسان با خداوند ضرر دارد. و با دقت در متون آیات روایات به خوبی ثابت می‌شود که مسأله عزلت و گوشه‌گیری در یک سلسله شرایط خاص، و به صورت استثنایی توصیه شده است. مواردی را که باید از آن عزلت گرفت، به خوبی در روایات بیان شده که مجموع آنها را می‌توان بطور خلاصه بصورت زیر بیان کرد:

۱- عزلت از گناهان شخصی، بدون شک، عزلت‌گزیدن و گوشه‌گیری از گناهان ظاهر و باطن که عبارت است از: زنا، لواط، ظلم، پرده دری، خودآزایی زن برای دیگران، دروغ، غیبت، تهمت، حسد، شرک، عقوق والدین، قتل نفس محترمه، خوردن مال یتیم، انسان را مکلف می‌کند که از کلیه این امور چه در نهان و چه در آشکار بپرهیزد که هر یک از این گناهان عامل خطری برای رسوایی انسان در دنیا و آخرت است (ظفرنوائی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴). ۲- عزلت و گوشه‌گیری از شهری که انسان در آن شهر یا مملکتی که در آن مملکت، قدرت حفظ دین خود را ندارد، می‌باشد. که از این عزلت و گوشه‌گیری در روایات تعبیر به مهاجرت شده است (همان). به طور مثال اصحاب کهف که در یک جامعه کافر و بی‌بندوبار گرفتار شده بودند و به جرم ایمانشان به خدا، تحت تعقیب بودند، و چاره‌ای جز فرار از شهر و دیار و پناه بردن به کوه و غار نداشتند.

در مورد حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نیز چنین بود، نهایت تلاش و کوشش خود را در طریق مبارزه با بت‌پرستی تا پای جان انجام داد، ولی هنگامی که مؤثر واقع نشد و جانش در خطر بود، مأمور به مهاجرت و عزلت شد. بدیهی است این شرایط برای هر کس در هر زمان حاصل شود، چاره‌ای جز هجرت و عزلت نیست.

۳- عزلت از گناهکاران، کناره جویی و عزلت از گروهی که غرق در انواع معاصی و گناهانند و انسان از هدایت آنان به تمام معنی ناامید شده و ادامه معاشرت با آنان ممکن است اثر سویی در حال، اخلاق و ایمان انسان بگذارد (همان). در آنجا که امام صادق (علیه‌السلام) گوشه‌گیری را برای خود انتخاب می‌کند، دلیل آن را فساد زمان و تغییر اخوان و عدم امکان همکاری با

مردم آن عصر می‌شمرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۰). در حدیثی از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) سلامت دین را در عزلت می‌داند که مربوط به جایی است که معاشرت با مردم به راستی دین انسان را به خطر بیفکند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۵).

۵- آداب عزلت‌گزینی

برای عزلت و گوشه‌نشینی آدابی هست که سالک حتماً خود را باید به این آداب متخلق کند. در مصباح‌الشریعة از قول امام صادق (علیه‌السلام) در باب عزلت چنین آورده است که گوشه‌گرفتن و منقطع شدن از مردم محتاج به دارا بودن ده آداب است:

- ۱- در رفتار و کردار و وظائف خود حق را از باطل بتواند تشخیص بدهد.
- ۲- علاقه و محبت پیدا کند به نداشتن ثروت و مال.
- ۳- به سختی و زحمت و فشار زندگی راضی و متحمل باشد.
- ۴- به ترک لذائذ دنیوی و مشتتهیات نفسانی حاضر باشد.
- ۵- از محیط خلوت و گوشه‌نشینی راضی و خوشحال شود.
- ۶- پیوسته توجه و اندیشه او در تأمین عاقبت و آینده باشد.
- ۷- با اینکه مجاهده و کوشش می‌کند عبادات خود را بی‌ارزش و کم بیند.
- ۸- هیچ‌گونه خود بینی و خود پسندی نداشته باشد.
- ۹- پیوسته مشغول ذکر و توجه به خدا بوده و غفلت نکند، زیرا که غفلت کردن موجب تسلط و نفوذ شیطان و منشأ هر گونه ابتلاء و گرفتاری و سبب همه جور محجوبیت و محرومیت از فیوضات و انوار الهی است.
- ۱۰- خانه و مسکن خود را از آنچه مورد لزوم و ضروری نیست خالی کند (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۰۶).

۶- فواید عزلت

عزلت‌گزینی از آداب سیر الی الله است. و دوری از مردم برای عبادت است تا بوسیله آن تمرکز فکر و حالت انقطاع و جمعیت خاطر حاصل شود. و فایده‌های بسیاری را برای عزلت‌گزینی ذکر کرده اند. که برخی از این فوائد عبارتند از:

- ۱- عزلت یکی از حقایق ایمان: پیامبر اکرم می‌فرماید: انسان حقیقت ایمان را درک نمی‌کند، مگر اینکه در نزد او گمنامی از شهرت و دارایی اندک از دارایی زیاد پسندیده‌تر باشد (ابن فهد حلی، ۱۳۷۷، ص ۲۱).
- ۲- دور شدن از ریا: امام باقر علیه‌السلام فرمود: امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: اگر کسی از شما تا زمانی که مرگش فرا رسد، بر فراز کوهی به سر برد زبان نکرده است. آیا می‌خواهید برای مردم ریا کنید؟ کسی که برای مردم کاری انجام دهد، پاداش او بر مردم است و کسی که برای خدا کاری را انجام دهد، پاداش او بر خداست به درستی که هرگونه ریایی شرک است (همان).

۳- رهایی یافتن از مردم و حفظ دین به وسیله گریختن از آنان: در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: اگر بتوانی که از خانهات بیرون نروی چنین کن، زیرا هنگامی که بیرون نروی غیبت نخواهی کرد، و دروغ نخواهی گفت و حسد نمی‌ورزی و

ریا نمی‌کنی و تصنع و مدهانه نخواهی کرد (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱) همچنین امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمود: سلامت دین در گوشه‌گیری از مردم است.

۴- عبادت پروردگار: امام علی علیه‌السلام فرمود: در جدایی از مردم برای عبادت پروردگار، گنج‌های منفعت‌ها نهفته است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۹).

۵- دلیل قوت عقل: در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم که به هشام بن حکم فرمود: صبر بر تنهایی دلیل قوت عقل است، کسی که عقل الهی داشته باشد، از اهل دنیا و دنیاپرستان، دوری می‌گزیند و به آنچه در نزد خداست رغبت می‌ورزد (مجلسی، ۱۳۷۸، ۵۹۸). این حدیث گواهی می‌دهد که انزوا و دوری از مردم، نشانه عقل و دانش و سبب حضور قلب در عبادت و رسیدن به انواع فوائد است.

۶- در امان ماندن از شر مردم: امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: کسی که از مردم کناره‌گیری کند، از شر آنها در امان خواهد بود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶).

و فوائد دیگری از جمله حفظ آبرو، رهایی از گناهان مردم، نزدیک‌ترین راه به سوی آسودگی، عافیت طلبی، بهترین حالت برای انسان، محبوب‌ترین انسان در نزد پروردگار، ... را می‌توان شمرد.

۷- آفات عزلت‌گزینی

در روایات و احادیث بسیاری بر عزلت‌گزینی سفارش شده است، اما دین مبین اسلام دینی جمعی است. و در مقابل، روایات بسیاری در معاشرت با دیگران بیان کرده است. اگرچه مجالی برای این روایات در این مقاله وجود ندارد، مختصری از این مجموعه را در قالب آفت‌های عزلت بازگو می‌کنیم.

۱- دور ماندن از فهم دین و آموختن آن به دیگران: مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: قربانت مردیست که امر امامت را شناخته و در خانه نشسته و با هیچ‌یک از برادران دینیش آشنائی ندارد فرمود: این مرد چگونه دینش را می‌فهمد (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۳۶). معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: مردیست که از شما روایت بسیار نقل می‌کند و میان مردم انتشار می‌دهد و آن را در دل مردم و دل شیعیان استوار می‌کند و شاید عابدی از شیعیان شما باشد که در روایت چون او نباشد کدامیک بهترند؟ فرمود: آنکه احادیث ما را روایت کند و دل‌های شیعیانمان را استوار سازد از هزار عابد بهتر است (همان، ص ۴۰).

۲- عُجب و خود پسندی: یکی دیگر از آثار گوشه‌گیری و انزوا است زیرا انسان روی‌گریزه حبّ ذات معمولاً به خود و آثارش سخت علاقه‌مند است، و هرگاه با دیگران معاشرت نداشته باشد، و فضائل و کمالات آنها را نبیند و خویش را با آنها مقایسه نکند، سبب می‌شود که خود را برترین و بالاترین انسان‌ها تصور کند. حضرت صادق (ع) فرمود: عُجب و تمام عُجب از کسی است که به سبب اعمال و عباداتش خود بینی پیدا کند، و او نمی‌داند که عاقبت امر و انجام کارش چگونه خواهد بود (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۶۷).

۳- دور ماندن از فضایل اخلاقی و آداب اسلامی: بسیاری از فضایل اخلاقی و آداب اسلامی در معاشرت با دیگران صورت می‌گیرد فرد عزلت‌گزین خود را از این امور محروم می‌کند.

۴- غافل شدن از عیوب خویش: یکی دیگر از آفت‌های عزلت و گوشه‌نشینی این است که انسان چون با دیگران مراوده ندارد عیوب خود را نمی‌بیند چرا که پیامبر اکرم فرمودند: «مؤمن اخ المؤمن و هو عینه و مرآته.» مؤمن چشم مؤمن است یعنی چشم وی را بر معایب بی‌نا می‌کند و آینه مؤمن است، یعنی خوبی‌های وی را روشن می‌کند که متلبس به آن خوبی‌ها شود و بدی‌های

وی را به وی گوشزد می‌کند تا از آن دوری گزیند چنان که آینه چنین است زیرا انسان از عیوب خویش غافل است و مؤمن راهنمای وی می‌باشد یعنی راهنمای به خیرات دنیوی و اخروی می‌باشد (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۵).

آفات دیگری همچون بازماندن از بسیاری از امور و تکالیف عبادی (مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، و...)، دچار ریا و تکبر شدن، عدم تشخیص صحیح در شناخت دنیای مذموم از دنیای ممدوح و دور ماندن از علم آموختن و تعلیم دادن که فرد عزلت‌گزین در پیش رو دار.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

از روایات معصومین علیه‌السلام در باب عزلت به دوری از مردم برای انس با پروردگار می‌رسیم البته در شرایط خاصی که انسان نیازمندان آن است. زیرا همان‌گونه که روایاتی در باب عزلت و گوشه‌نشینی داریم روایات بسیار و بیشتر از آن در باب معاشرت با مردم داریم. فرد عزلت‌گزین باید با علم و آگاهی و نیازمندی، رو به سوی عزلت‌نشینی نهد. تا سیر و سلوک طریق الی الله کند.

منابع

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۳۷۷)، التحصین فی صفات العارفین، تصحیح و ترجمه: سید علی جبار گلباغی ماسوله، چاپ اول، قم انتشارات لاهیجی.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۳۸۱)، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه عدّه‌الداعی)، ترجمه محمد حسین نائیجی، چاپ اول، جلد ۱، تهران، انتشارات کیا.
۳. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، محقق و مصحح: جلال الدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، ج ۶، تهران، دانشگاه تهران.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، محقق و مصحح سید مهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامی.
۵. تهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، لب‌اللباب در سیر و سلوک، جلد ۱، چاپ نهم، مشهد، انتشارات علامه ی طباطبایی.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۷)، شرح مصباح‌الشریعه، ترجمه عبدالرزاق گیلانی، محقق و مصحح: محمدبن حسین آقا جمال خوانساری، تهران، پیام حق.
۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، جهاد النفس وسائل‌الشیعه، ترجمه علی افراسیابی نهاوندی، چاپ اول، قم، نهاوندی.
۸. ظفر نوانی، خسرو، (۱۳۸۹)، «مقاله خلوت در عرفان اسلامی»، فصلنامه تخصصی ادیان و عرفان، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز، صص ۱۰۷-۱۲۰.
۹. عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۷۶)، لسان‌الغیب، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات سنائی.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی علمیه-اسلامی.
۱۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، محقق و مصحح: حسین حسنی بیرجندی، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۷۸)، ایمان و کفر (ترجمه کتاب الإیمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴)، ترجمه عزیز الله عطاردی، چاپ اول، تهران، انتشارات عطارد.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، محقق و مصحح: جمعی از محققان، جلد ۴۷، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۴. مدرسی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، جلد ۱، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،
۱۵. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۳۶۰)، مصباح الشریعۀ، ترجمه مصطفوی، چاپ اول، بیروت، اعلمی.